

معاون وزیر کار هشدار داد:

۱/۴میلیون شغل در آستانه حذف در صورت تداوم رشد اقتصادی منفی

بازار کار شده‌اند. برای نمونه، در گزارش پیشین ما که مربوط به بازه اسفند تا پایان اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۵ بود، نزدیک به ۹۰۰ هزار نفر خروج از لیست بیمه ثبت شده بود، اما هم‌زمان بیش از ۲۰۰ هزار نفر نیز به عنوان بیمه‌شده جدید در بخش تولید و سایر حوزه‌ها به سیستم اضافه شده بودند که خالص خروجی بازار کار رسمی را در پایان بهار به حدود ۷۰۰ هزار نفر می‌رساند.

***پس با کسر ورودی‌های جدید، خالص ریزش بیمه‌شدگان اجباری تا پایان بهار حدود ۷۰۰ هزار نفر و مجموع خروجی‌ها تا مردامه‌ایک میلیون و ۱۵۰ هزار نفر بوده است؛ از این جمعیت، چه تعداد به چتر بیمه بیکاری وارد شده‌اند؟**

بر اساس آخرین گزارش دقیق ما تا پایان مردامه‌ا، از مجموع این خروجی‌ها حدود ۳۰۰ هزار نفر به شمار مقررری‌گیران بیمه بیکاری اضافه شده‌اند و مقررری دریافت می‌کنند. این‌که تمام افراد خارج‌شده از لیست بیمه هنوز متقاضی بیمه بیکاری نشده‌اند، دو پیام متفاوت دارد: نخست این‌که بخشی از این نیروها و کارفرمایان‌شان همچنان امیدوارند که شرایط به حالت عادی برگردد و به شغل قبلی خود بازگردند؛ دوم این‌که از آنجا که مقررری بیمه بیکاری بر اساس پایه حقوق محاسبه می‌شود و بسیاری از مزایای مزدی را پوشش نمی‌دهد، و از سوی دیگر سقف زمانی استفاده از آن بسته به تجرد یا تأهل و سابقه بیمه‌پردازی محدود است، بخشی از کارگران بیکار شده که هنوز اندک تاب‌آوری مالی دارند، ترجیح می‌دهند این حق قانونی خود را در شرایط فعلی نسوزانند و آن را برای شرایط اضطراری‌تر ذخیره کنند.

***آیا از مردامه‌ا تا کنون رقم جدیدی به آمار یک میلیون و ۱۵۰ هزار خروجی بیمه یا ۳۰۰ هزار مقررری‌گیر بیمه بیکاری اضافه شده است؟**

خیر، آخرین عدد قطعی ما همان یک میلیون و ۱۵۰ هزار نفر است. دلیل این‌که امکان ارائه آمار لحظه‌ای وجود ندارد این است که در ثبت لیست‌های بیمه‌ای همیشه یک وقفه یا «شکاف زمانی» دو تا سه‌ماهه وجود دارد. بسیاری از کارفرمایان و بنگاه‌ها لیست‌های بیمه خود را با تأخیر دو ماهه به سازمان تأمین اجتماعی ارسال می‌کنند؛ بنابراین برای این‌که تصویر واقعی شکل بگیرد، باید صبر کنیم تا داده‌ها به طور کامل در سیستم بنشینند. برای مثال، بخش مهمی از آمار مردامه‌ا تازه در مهرماه نهایی می‌شود؛ به همین دلیل است که ما در مهرماه می‌توانیم با قطعیت بیشتری درباره وضعیت مرداد صحبت کنیم و آمار تحرکات شه‌ریور و مهر را در ماه‌های آینده به‌روزرسانی خواهیم کرد.

***با توجه به این روند و تشدید محدودیت‌های اقتصادی، در صورت تداوم وضعیت فعلی تا پایان سال چه سرنوشتی در انتظار بازار کار است؟ پیش‌بینی شما از حجم کل ریزش شاغلان تا اسفند ۱۴۰۵ چیست؟**

بیا‌ید یک واقعیت اقتصادی را بدون تعارف بپذیریم. طبق گزارش‌های رسمی، نرخ رشد اقتصادی کشور در بهار امسال نسبت به مدت مشابه سال گذشته، بدون نفت منفی ۱۰ درصد و با احتساب نفت منفی ۴.۶ درصد بوده است. در تابستان نیز به واسطه تشدید تحریم‌ها و جدی‌تر شدن محاصره اقتصادی، شواهد نشان می‌دهد که احتمالاً در همین مسیر حرکت کرده‌ایم. همان‌طور که در ابتدای بحث اشاره کردم، منطق علم اقتصاد بسیار روشن است. وقتی رشد اقتصادی منفی می‌شود، بازار کار ناگزیر نیرو از دست می‌دهد. سازوکار آن هم پیچیده نیست؛ در بازار کسب‌وکار یا کالا تولید می‌شود یا خدمات. وقتی قدرت خرید مردم افت می‌کند و تقاضا برای خرید از مبللمان و لوازم الکترونیکی گرفته تا اقلام خوراکی کاهش می‌یابد، بنگاه اقتصادی برای حفظ تعادل و بقا مجبور است تیراژ تولید خود را پایین بیاورد. کاهش تولید به معنای کاهش ورودی مالی بنگاه است و کارفرما برای تراز کردن دخل‌وخرج خود به سراغ کاهش هزینه‌ها می‌رود. این در حالی است که تاب‌آوری بنگاه‌های ما به شدت تحلیل رفته است. به جرأت می‌توانم بگویم بخش تولید کشور چه در حوزه کالا و چه در خدمات، در این سال‌ها فداکاری کرده است؛ چرا که از سال ۱۳۹۷ و بازگشت تحریم‌ها در دوره اول ریاست‌جمهوری ترامپ، ابتدا شوک تحریم و بلافاصله بحران کرونا را پشت سر گذاشتیم. اقتصاد ما تازه در حال احیا و خروج از بحران کرونا بود که وارد چرخه تورم‌های سنگین شدیم و پس از آن نیز سه مقطع جنگ را تجربه کردیم. هر بنگاهی اندوخته محدودی برای شرایط بحران دارد؛ وقتی تورم به ویژه در «سمت تولید و نهادهای تولید» جهش می‌کند، هزینه تمام‌شده بالا می‌رود و منجر به کاهش تقاضا هم می‌شود و در نتیجه، بنگاه یا کوچک‌تر شده و یا به طور کامل از بازار حذف می‌شود. برای درک تفاوت «کوچک شدن کسب‌وکار» با «حذف کامل شغل» تجربه دوران کرونا در صنعت گردشگری مثال گویایی است. زنجیره هتل‌داری و گردشگری کشور که برابر بر آورد دستگاه تخصصی با احتساب بخش‌های جانبی بین یک میلیون تا یک میلیون و ۶۰۰ هزار نفر اشتغال دارد در دوره کرونا به دلیل محدودیت‌های بهداشتی به طور کامل تعطیل شد. وقتی یک کارگاه عادی صرفاً کوچک یا کم‌کار می‌شود، ممکن است اشتغال رسمی همراه با بیمه و مزایا از بین برود، اما کارفرما به کارگر می‌گوید «منی‌توانم بیمه‌ات را پرداخت کنم، اما بیا به صورت پاروقت یا ساعتی کار کن»؛ یعنی کار به شکل ناقص ادامه می‌یابد اما وقتی یک هتل به طور کامل تعطیل می‌شود، آن فرصت شغلی از اساس نابود شده است و نیروهای آن تا زمان بازگشت شرایط عادی، مطلقاً بیکار می‌مانند یا به کارهای بسیار مقطعی پناه می‌برند.



برای بخش غیررسمی داده ثبتی مستقیم ندارید، بر آوردتان از ابعاد ریزش در این بخش چیست؟

بله، عدد ۷۴۰ هزار نفر صرفاً مربوط به بازار کار رسمی در بازه زمانی پس از جنگ ۱۲ روزه تا شهریور ۱۴۰۴ بود. اما برای بر آورد وضعیت بخش غیررسمی، ما از تجربه این مقاطع جنگی استفاده کردیم و تیمی از جوانان خلاق و «سربازان نخبه» در وزارتخانه، مدلی تحلیلی را طراحی کردند که متناسب با شدت شوک وارده به هر بخش از اقتصاد، میزان ریزش نیروی کار را شبیه‌سازی و بر آورد می‌کند. طبیعی است که ضریب آسیب‌پذیری و ریزش در صنایع مختلف، یکسان نیست. برای نمونه، اخیراً بررسی متمرکزی روی صنعت پوشاک داشتیم. بر اساس جلسات و گفت‌وگوهایی که با فعالان این صنف برگزار شد، بر آورد این بود که در صورت عدم تأمین مواد اولیه تا پایان سال جاری نسبت به وضعیت پیش از جنگ (اسفندماه سال گذشته)، بازار پوشاک کشور در حلقه تولید و زنجیره عرضه نزدیک به ۶۰ درصد آسیب ببیند. خروجی مدل تحلیلی ما نشان می‌دهد که در صورت تحقق این سناریو و وارد آمدن آسیب ۶۰ درصدی، ممکن است تا ۷۵۰ هزار نفر در این کسب‌وکار دچار ریزش شوند.

***وقتی ۶۰ درصد آسیب در این بخش به معنای ریزش ۷۵۰ هزار نفری است، یعنی کل جمعیت شاغل در زنجیره پوشاک کشور را چه عددی بر آورد می‌کنید؟**

با یک محاسبه ساده مشخص می‌شود که وقتی ۶۰ درصد یک بخش معادل حدود ۷۵۰ هزار نفر است، یعنی کل شاغلان آن فراتر از یک میلیون و ۲۵۰ هزار نفر است. در صنعت پوشاک ما یک بخش رسمی داریم و یک بخش بزرگ غیررسمی؛ برآوردهای عمومی از کل شاغلان این حوزه بین یک میلیون و ۲۰۰ تا یک میلیون و ۵۰۰ هزار نفر است. این عدد کاملاً منطقی و منطبق با واقعیت‌های میدانی است؛ کما این‌که ما تنها در سه سال گذشته، نزدیک به ۳۰۰ هزار قفزه تسهیلات خُرد صرفاً برای فعالان بخش پوشاک پرداخت کرده‌ایم. البته باید توجه داشت که این رقم مربوط به کل زنجیره ارزش این صنعت است؛ یعنی از منسوجات و طراحی گرفته تا تولید و شبکه توزیع و فروش پوشاک را در بر می‌گیرد.

***برگردیم به آمار کلان ریزش‌ها در بخش رسمی. اشاره کردید که در مقطع نخست، حدود ۷۴۰ هزار نفر از بازار کار رسمی خارج شدند؛ آیا آمار مشخصی وجود دارد که در فاصله شه‌ریورماه تا پایان سال ۱۴۰۴ چه تعداد از این افراد به کار بازگشتند و خالص بیکاری چقدر بود؟**

بخشی از آن ریزش ۷۴۰ هزار نفری که در شه‌ریورماه در بخش رسمی ثبت شد، ناشی از الگوی سنتی و فصلی خروج نیروی کار در پایان تابستان بود و بخش عمده آن مربوط به جنگ و تبعات جنگ ۱۲ روزه بود. برای مثال، در بخش آموزش، معمولاً با رسیدن به خردادماه قرارداده‌ها متوقف می‌شود و مجدداً از مهرماه تمدید یا جایگزین می‌گردد. اما در کنار این، به سبب تاب‌آوری بالای اقتصاد و بازار کار ما، از آن جمعیت حدوداً ۷۰۰ هزار نفری، تا آبان و آذرماه نزدیک به ۳۰۰ هزار نفر دوباره به بازار کار رسمی بازگشتند. اما متأسفانه پس از آن، حوادث تلخ دی‌ماه رخ داد که تأثیر سوء بسیار سنگینی بر فضای کسب‌وکار گذاشت. برآوردهای مرکز آمار ایران نیز نشان می‌دهد که فقط در زمستان سال گذشته حدود ۲۰۰ هزار نفر ریزش شغلی داشتیم. اگر بخواهیم یک تراز کلی از ابتدای فروردین تا پایان اسفند ۱۴۰۴ بگیریم، بازار کار کشور در سال گذشته به طور خالص حدود ۵۰۰ هزار نفر از شاغلان بخش رسمی خود را از دست داد. در بخش غیررسمی نیز هم‌زمانی چند بحران، وضعیت را پیچیده‌تر کرد؛ یعنی ابتدا چالش‌های دی‌ماه رخ داد، سپس قطعی اینترنت بسیاری از کسب‌وکارهای غیررسمی و خرد را از مدار خارج کرد و در نهایت با ورود به فضای جنگ، این عوامل در کنار هم یک «هم‌افزایی منفی» ایجاد کردند که به تشدید ریزش‌ها انجامید. اما در سال ۱۴۰۵، آخرین برآوردهای ما که مربوط به داده‌های تیر و مردامه است و البته هنوز نیاز به پالایش نهایی دارد تصویر جدیدی را نشان می‌دهد. بر اساس این آمار، به طور اجمالی از اسفندماه تا پایان مرداد ۱۴۰۵، حدود یک میلیون و ۱۵۰ هزار نفر از بیمه‌شدگان اجباری از بازار کار رسمی خارج شده‌اند. در حال تدقیق این عدد هستیم تا مشخص شود چه تعداد از این افراد به دلایل طبیعی همچون بازنشستگی یا از کار افتادگی از لیست‌های بیمه خارج شده‌اند که عامل خروج‌شان جنگ نبوده است و در مقابل، چه تعداد بیمه‌شده جدید وارد

معاون توسعه کارآفرینی و اشتغال وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی از خروج یک میلیون و ۱۵۰ هزار بیمه‌شده اجباری از بازار کار رسمی در فاصله اسفند تا پایان مرداد ۱۴۰۵ و ورود ۳۰۰ هزار نفر به فهرست بیمه بیکاری خبر داد و اعلام کرد: در صورت تداوم رشد اقتصادی منفی، تا پایان سال بین ۱.۲ تا ۱.۴ میلیون شغل از بازار کار کشور حذف خواهد شد.

سید مالک حسینی، معاون توسعه کارآفرینی و اشتغال وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی در گفت‌وگویی به بررسی ابعاد واقعی ریزش نیروی کار در بخش‌های رسمی و غیررسمی پرداخته که مشروح آن را در ادامه می‌خوانید:

***آمار رسمی از ریزش حدود ۷۰۰ هزار نفری بازار کار در جریان جنگ حکایت داشت، اما گزارش‌های غیررسمی و مشاهدات میدانی، حجم بیکارشدگان را رقمی نزدیک به دو میلیون نفر نشان می‌دهد. این جمعیت حتی در صورت احراز شرایط و قرار گرفتن تحت پوشش بیمه بیکاری، با مقررری ماهانه‌ای در حدود ۱۶ تا ۱۷ میلیون تومان عملاً امکان تأمین هزینه‌های حداقلی زندگی را ندارند. در شرایط فعلی، وزارت کار مشخصاً چه برنامه‌ای برای ایجاد اشتغال و عبور دادن این جمعیت از بحران در دستور کار دارد؟**

اجازه بدهید پیش از ورود به آمار دقیق نیروهای بیکار شده و جزئیات برنامه‌های حمایتی، کمی به عقب برگردیم و در چارچوب تحلیل کلان، موضوع را مرور کنیم. به طور اصولی در تمام اقتصادهای دنیا، اشتغال تابعی از «رشد اقتصادی» است و بسیار نادر است که به شکل پایدار، عکس این قاعده رخ دهد. شاید به صورت استثنایی در یک بازه کوتاه‌مدت یک‌ساله شرایط متفاوتی دیده شود، اما در دوره‌های میان‌مدت و بلندمدت، یک اقتصاد می‌تواند «رشد بدون اشتغال» داشته باشد ولی «اشتغال بدون رشد» تقریباً هیچ نمونه‌ای در دنیا ندارد. برای مثال، ممکن است در اقتصاد ایران ناگهان شرایطی فراهم شود که فروش نفت چند برابر شود و رشد ۱۰ درصدی ثبت شود، یا سرمایه‌گذاری خارجی در صنایع سرمایه‌بری اتفاق بیفتد که نیاز چندانی به نیروی کار ندارد؛ بنابراین منطقاً می‌توان رشد اقتصادی داشت اما شغل بسیاری ایجاد نکرد، ولی این‌که رشد اقتصادی کاهش پیدا کند و هم‌زمان اشتغال افزایش یابد، امری نادر و حتی می‌توان گفت ناممکن است. این نخستین اصل کلیدی است که باید به آن توجه داشت. موضوع دومی که پاسخ بخش مهمی از سؤال شما در دل آن نهفته است، به ساختار بازار کار ایران برمی‌گردد. در اقتصاد ما سهم بخش غیررسمی از کل اشتغال، اندکی بیش از بخش رسمی است و نسبتی در حدود ۵۴ به ۴۶ دارد؛ یعنی ۵۴ درصد اشتغال کشور غیررسمی و ۴۶ درصد آن رسمی است که البته پس از جنگ اخیر، کفه ترازو بیش از پیش به سمت اشتغال غیررسمی و «اشتغال‌های ناقص زمانی» سنگینی کرده است. پیام این آمار چیست؟ پیامش این است که بازار کار ما از مشکلات مزمن و ساختاری رنج می‌برد. اشتغال رسمی و پوشش بیمه‌ای گسترده، محصول اقتصادی است که پرنشاط و توانمند باشد و در بازه‌های زمانی بلندمدت، نرخ‌های رشد بالایی را تجربه کند. بررسی‌های بیست‌ساله ما نشان می‌دهد که در دو دهه گذشته، متوسط نرخ رشد اقتصادی ایران حول‌وحوش ۲.۲ تا ۲.۳ درصد بوده است. از سوی دیگر، بر اساس همین روند بیست‌ساله، به ازای هر یک واحد درصد رشد اقتصادی، حدود ۱۷۰ هزار فرصت شغلی در کشور ایجاد شده است و متقابلاً به ازای کاهش هر واحد درصد از رشد اقتصادی، دقیقاً به همین میزان یعنی به طور متوسط ۱۷۰ هزار شغل از دست می‌رود. اگر شرایط غیرعادی و استثنایی مانند دوران همه‌گیری کرونا را کنار بگذاریم که بدون تغییر متناظر در نرخ رشد اقتصادی، ناگهان تا یک میلیون نفر در بازار کار ریزش کردند، در شرایط متعارف، این قاعده کاملاً برقرار است. بر این اساس، وقتی اقتصاد رشد خود را از دست می‌دهد، دو پدیده هم‌زمان رخ می‌دهد: نخست این‌که بخشی از اشتغال رسمی از بین می‌رود و به سمت بازار غیررسمی سرازیر می‌شود؛ و دوم این‌که بخشی از اشتغال غیررسمی تمام‌وقت به «اشتغال ناقص زمانی» تبدیل شده و بخش دیگری از مشاغل نیز به طور کامل حذف می‌شوند. ما در دو جنگ اخیر یا اگر بخواهیم دقیق‌تر بگوییم در سه مقطع درگیری اخیر، عملاً از شه‌ریور ۱۴۰۳ وارد فضای جنگی شدیم. آن فضا پس از ترور صورت گرفته در تهران و تبادل آتش موشکی و پهبادی آغاز شد؛ هرچند در آن مقطع، درگیری‌ها چندان وارد حوزه زیرساختی نشد، اما در همان تابستان ۱۴۰۳ به واسطه مشکلات مربوط به ذخیره سوخت، با بحران انرژی مواجه شدیم که خود آن برای بخش تولید به مثابه یک «شبه‌جنگ» بود. همه این اتفاقات در شرایطی رقم خورد که اقتصاد ایران از حدود سال ۱۳۹۹ به این‌سو، به طور متوسط تورم‌های بالای ۴۰ درصد را تجربه کرده بود. وقتی این متغیرها را کنار هم می‌گذاریم، مشخص می‌شود که تاب‌آوری بنگاه‌های اقتصادی و بازار کار طی کمتر از یک دهه اخیر تا چه اندازه دچار فرسایش شده است. در نهایت نیز به «جنگ ۱۲ روزه» رسیدیم که پس از آن، نزدیک به ۷۴۰ هزار نفر را صرفاً در بازار کار رسمی از دست دادیم.

***این ریزش ۷۴۰ هزار نفری صرفاً مربوط به بیمه‌شدگان و بازار کار رسمی است، در حالی که بیش از نیمی از شاغلان در بخش غیررسمی حضور دارند. از آنجا که**